یادداشت

ما دلخوش نم‌نم بارانیم

مینا اکبری

● بدون شک داشتن سینمای اجتماعی در ایران نیازمند تحلیل اجتماعی برای هر فیلم‌ساز از طریق تفکر و تحقیق در جامعه است. این تفکر زمانی می‌تواند به اثری اصیل و تأثیرگذار تبدیل شود که صاحب این فکر با حوصله و بدون دغدغه آن را به فیلم تبدیل کند و این اثر زمانی وارد حیطه تأثیرگذاری اجتماعی خواهد شد که در زمان و شرایط مناسب به جامعه عرضه شود. مرور همین روال ساده نشان می‌دهد که توقع ساخت و اکران موفق برای یک فیلم تأثیرگذار اجتماعی از سینمای ایران توقع بیهوده‌ای است. از یک سو مجموعه سینمای ایران (از مسئولان تا تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان) به شکل بی‌رحمانه‌ای هرگونه تفاوت را محدود و در مقابل، باری به هر جهتی و بی‌مسئولیتی اجتماعی را ترویج می‌کنند و از سوی دیگر گذرگاه اکران نیز به گردنه یقه‌گیری فیلم‌های اجتماعی بدل شده است. سینمای اجتماعی ایران آنچنان در چنبره نگرش‌های سیاسی و اقتصادی روزمره دست‌وپا می‌زند که انگار تقدیر محتوم ساختن فیلم متفاوت اجتماعی چیزی جز اکران‌های کوتاه‌مدت و بی‌سروصدا و به‌مسلخ‌بردن این آثار در گردوخاک فیلم‌های بی‌خاصیت کمدی نیست. دروازه نمایش عمومی اکران از اریکه تا آزادی

و از فرهنگ تا استقلال یک‌سره به سوی نمایش فیلم‌هایی باز شده که زمانی در همین شهر جایگاهی بهتر از سینماهای درجه سه لاله‌زار نداشتند. وقتی فضای عمومی نمایش را از سینمای اجتماعی تهی می‌کنیم و همه‌چیز را با سیاست گره می‌زنیم و با اقتصاد توجیه می‌کنیم، دیگر چه جایی برای ادعای فرهنگ‌سازی. محدودکردن سینمای اجتماعی ایران در پهنه اکران عمومی جامعه‌ای که مردم در آن به شکل مستمر در حال دست‌وپنجه نرم‌کردن با مسائل اقتصادی و سیاسی هستند، سینمای ایران را فاقد قدرت اجتماعی کرده و کار را به جایی رسانده که در شلوغ‌ترین ساعات روز و شب که نفس خیابان‌ها از ازدحام مردم تنگ می‌شود، سینماها خلوت و سالن‌ها خالی‌اند. آیا راه علاج این مسئله چیزی جز بالابردن تأثیر اجتماعی سینماست؟ آیا چنته سینمای ایران از مدیر هوشمند و جسور خالی شده. اگر پاسخ منفی است: کو؟ و اگر مثبت است: کی؟

اکثر فیلم‌هایی که این روزها بر پرده سینماها خودنمایی می‌کنند، به شکل روشن و گویایی نماد تأثیر سیاست‌های مدیرانی است که بیش از اسلاف خود ادعای دگرگونی ساختاری در سینمای ایران را به زبان آورده‌اند. مدیرانی که با نقد بی‌رحمانه سیاست‌های قبلی، وعده و وعید ریل‌گذاری برای حرکت روان و رو به جلوی سینمای کشور را به سینماگران دادند.

اکران ساکت و کوتاه «جاده قدیم» آخرین ساخته منیژه حکمت که در سینمای اجتماعی و زنانه ایران فیلم قابل‌توجهی است، نشان از آن دارد که باید این قانون بی‌رحم را بپذیریم که محصولات سینمای ایران وقتی مورد توجه قرار می‌گیرند که در یک جریان غیرسینمایی و از بیرون مناسبات فرهنگی حمایت شوند. این قانون نانوشته آیا تعبیر همان واژه بی‌مصداق مافیا نیست؟ در دورانی که حجم حاشیه‌های اخبار اقتصادی و معیشتی مردم، توجه به سینمای اجتماعی را لاجرم دورتر از اذهان عمومی می‌برد، سینمای ایران فیلمی را بر پرده‌اش اکران کرده که با کمی تقسیم توجه و با اندکی آینده‌نگری می‌توان به تداوم رگبارش دلخوش بود. حال اگر رگباری در کار نباشد، غمی نیست، ما دلخوش نم‌نم بارانیم. «جاده قدیم» را فراموش نکنید.

خبر

بازیگر محبوبه‌ها

● **گروه هنر:** ژاله صامتی که در سال ۹۵ نمایش «یادم تو را فراموش» را در تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه برده بود، این‌بار با «محبوبه‌ها» روی صحنه خواهد آمد و مارال فرجاد به‌عنوان اولین بازیگر این پروژه معرفی شده است. «محبوبه‌ها» اثری زنانه با قلم نوشین تبریزی است که تاکنون حضور مارال فرجاد و ژاله صامتی در آن قطعی شده. این نمایش با هفت پرسوناژ زن در آبان‌ماه در تماشاخانه مهرگان روی صحنه خواهد رفت که خود مارال فرجاد نیز در آن نقشی را ایفا می‌کند. عوامل دیگر این اثر عبارت‌اند از: امیر توسلی (آهنگ‌ساز)، جهانگیر میرزاجانی (طراح صحنه)، مهرنوش سلیمی (طراح گریم)، مهرداد مهدی‌زاده (امور مالی)، فتاح مینوبخش (دستیار کارگردان و برنامه‌ریز)، نیاز سنجری (دستیار دوم کارگردان) و رضا نصیری‌نیا (مدیر تولید).

رسیدگی به پول‌های مشکوک در سینما از حرف تا عمل

بهناز شیربانی: مدتی است بحث ورود پول‌های مشکوک به سینما و افزایش دستمزد بازیگران یکی از مواردی است که در محافل سینمایی زیاد درباره آن صحبت می‌شود و البته خروجی این مباحث از نقطه‌نظر تهیه‌کنندگان سینما بازتاب‌های متفاوتی پیدا می‌کند. برخی از تهیه‌کنندگان معتقدند می‌توان با رصدکردن شرایط اقتصادی سینما با قدرت بیشتری ماجرای ورود پول‌های مشکوک به سینما را بررسی کرد و از سوی دیگر برخی معتقدند که ورود تهیه‌کنندگان به این مبحث اساسا خیلی کاربردی ندارد و ماجرا باید از مجرای قضائی پیگیری شود.

غلامرضا موسوی اخیرا در گفت‌وگویی با مهر درباره مسئله ورود پول‌های سرگردان و مشکوک به حوزه سینما و شبکه نمایش خانگی گفت: «من حدود پنج سال پیش برای اولین‌بار در مورد ورود پول‌های مشکوک به سینما و مراکز نمایشی هشدار دادم و گفتم این پول‌ها منشأ سالمی ندارند و اغلب برای پول‌شویی وارد جریان نمایش؛ چه در شبکه نمایش خانگی و چه سینما می‌شوند، ولی متأسفانه در این چند سال هیچ‌گونه واکنشی از سوی افراد و نهادهای مسئول صورت نگرفت و حالا با نمونه‌های بیشتری از این پدیده روبه‌رو هستیم. این پول‌ها به دلیل اینکه با زحمت‌کشیدن به دست نیامده‌اند و معمولا منشأ کار به معنای عام و عرفی ندارند، بدون حساب‌وکتاب در شبکه نمایش خانگی و سینما خرج می‌شوند و اقتصاد سینما را دچار معضل می‌کنند». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «شورای‌عالی تهیه‌کنندگان اوایل امسال این موضوع را مورد بررسی قرار داد و به تهیه‌کنندگان اعلام کرد که اگر پول خارج از عرف به بازیگر یا به هر عامل دیگری پرداخت کنند با آنها برخورد می‌شود، چون این روند باعث می‌شود سینما از نظر اقتصادی دچار مشکل شود. درجات این برخورد بر اساس نوع تخلفی که انجام می‌شود، متفاوت است؛ یعنی در مواردی که اثبات شود تهیه‌کننده‌ای دستمزد غیرعرف به بازیگر یا غیربازیگر پرداخت کرده است با آن تهیه‌کننده برخورد می‌کنیم و آن فرد با مجازات صنفی روبه‌رو می‌شود. ما به دوستان تهیه‌کننده این هشدار را دادیم که باید مراعات دستمزدهای عرف را داشته باشند و با افرادی که دستمزد غیرمتعارف می‌خواهند قرارداد نبندند، چون اگر ببندند، ما تهیه‌کننده را مسئول می‌دانیم و درحال‌حاضر کاری با دیگر عوامل نداریم».

او ادامه داد: «به تهیه‌کنندگان تأکید شده است که چه پول خودشان را بدهند و چه پول سرمایه‌گذار، باز هم این تهیه‌کننده است که مورد بازخواست قرار می‌گیرد، ولی سخت‌گیری ما به‌عنوان شورای‌عالی تهیه‌کنندگان در مورد سرمایه‌گذار بیشتر است. تاکنون چند تهیه‌کننده برای توضیح به کمیته انضباطی فراخوانده شده‌اند و مذاکراتی با آنها صورت گرفته که در برخی موارد متوجه شده‌ایم خبرهایی که شنیده شده کذب است، بنابراین همه آن مواردی که گفته می‌شود، چندان در سینما واقعیت ندارد و این رفتارها بیشتر در شبکه نمایش خانگی رخ می‌دهند که البته اثرات آن به سینما هم کشیده می‌شود». ورود کانون کارگردانان به ماجرای بررسی پول‌های مشکوک به سینما و البته افزایش دستمزد بازیگران اتفاقی است که بسیاری خواهان رسیدگی به آن هستند. هرچند که به نظر می‌رسد مسیر آنچنان هم که به نظر می‌رسد هموار نیست و نمی‌توان تغییرات بزرگی را در مدت‌زمان کوتاهی مشاهده کرد. منوچهر محمدی، از تهیه‌کنندگان باسابقه سینمای ایران، در گفت‌وگو با اعتماد به همین نکته اشاره کرد و گفت: «در این وضعیت متلاطم عجیب‌وغریب و در این بازار متلاطم آن چیزی که کانون کارگردانان بحق به آن اشاره دارد اینکه دامنه و عرصه گردش مالی سینما نسبت به سایر حوزه‌ها بسیار کوچک است و قیمت محصول تمام‌شده در سینما و نمایش خانگی در مقایسه با سایر کشورهای همسایه به‌مراتب پایین‌تر است. تولید اثر نمایشی در ایران از مزیت نسبی اقتصادی بهره‌مند است که به اندازه بازار مصرف با یک ریسک معقول در این حوزه همراه است و احتمال اینکه موفق بشود یا شکست بخورد وجود دارد. اگر هزینه تولید فیلم را در ایران دو میلیارد تومان در نظر بگیریم، با کمی بالا و پایین با توجه به بازار نمایش و حوزه نمایش خانگی اگر محاسبات دقیق صورت بگیرد و فیلم در زمان مناسبی اکران شود، امکان بازگشت سرمایه وجود دارد. آنچه بحق کانون کارگردانان را نگران می‌کند، قیمت تمام‌شده تولید است که به حدی افزایش پیدا کند که درجه ریسک‌پذیری تولید را به مقدار زیادی با افزایش روبه‌رو کند. پول‌های ناسالم و افراد غیرمتخصص یا حضور آدم‌هایی که با امیال و اغراض وارد حوزه سینما می‌شوند، باعث می‌شود قیمت تمام‌شده فیلم به مرز چهار میلیارد تومان برسد. این مسئله ریسک تولید را تا ۶۰ و ۷۰ درصد با افزایش همراه می‌کند. این باعث می‌شود دیگر تولیدکنندگان ریسک نکرده و ساخت فیلم را نپذیرند. روشن‌تر عرض کنم؛ بخشی از افزایش هزینه‌ها در تولید مربوط به تورم عمومی کشور است که برای آن نه کاری از دست صنف برمی‌آید، نه از دست خانه سینما و نه از دست ارشاد، تورم بالا مربوط به بی‌کفایتی مدیران اقتصادی دولت‌هاست که به کل جامعه تحمیل می‌شود و طبعا سینما هم لطمه آن را می‌بیند، اما بخشی دیگر از افزایش هزینه تولید مربوط به داخل سینماست».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش راهکاری برای کنترل دستمزدها ارائه کرد و گفت: «در حوزه دستمزدها دیدگاه روشنم این است که اگر در این حوزه طلب دستمزدها منجر به افزایش قیمت تولیدشده درصدی از این رقم به صورت نقد و مابقی را به صورت مشارکت در تولید به بازیگران و نویسنده و عواملی که می‌خواهند شریک شوند، تعلق گیرد و این باعث می‌شود بازیگر از اینکه چند کار را با هم قبول کرده و رقم درشتی به دست آورده و آن را تبدیل به دارایی‌های دیگر کند، دست بکشد».

آنچه مسلم است دیدگاه اکثر تهیه‌کنندگان و کارگردانان سینمای ایران درباره حل مشکل پول‌های مشکوک واردشده به سینماست؛ پول‌هایی که توازن بسیاری از موارد را به‌هم زده است و مشخص نیست در طولانی‌مدت چه اتفاقی خواهد افتاد، اما جدا از بحث‌های تئوری باید دید در ماه‌های آینده چه اقدام عملی از سوی تهیه‌کنندگان می‌تواند آرامش نسبی را به شرایط اقتصادی متلاطم سینمای ایران بازگرداند؟

محمد بهشتی در همایش موزه‌شناسی و تقدس

در ایران هر چیزی وجه آسمانی دارد

رضا آشفته: چهل‌ویکمین سمپوزیوم بین‌المللی کمیته ایکوم با موضوع «موزه‌شناسی و تقدس» از ۲۳ تا ۲۷ مهرماه در تهران برگزار می‌شود.

جبرئیل نوکنده، رئیس موزه ملی ایران، در ابتدای این مراسم ضمن خوشامد به حاضران، گفت: در این همایش قرار است که برای ارتقای موزه‌داری و موزه‌شناسی، هم در سطح کشور و هم در سطح بین‌المللی تلاش کنیم تا صلح و آشتی بین ملت‌های جهان بیشتر شود.

فرانسوا مرس، رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها، نیز در این مراسم به همه پژوهشگران خوشامد گفت و از برگزارکنندگان ایرانی نیز تشکر کرد که در برگزاری چنین برنامه زیبایی همکاری کردند.

او افزود: همچنین در همین خیابان سی‌تیر که نزدیک به موزه ایران باستان و محل برگزاری این همایش است، ما شاهد حضور بسیاری از پیروان ادیان مختلف هستیم و همچنین چندین موزه مختلف نیز در حاشیه همین خیابان بنا شده که در آن از موزه کلاسیک و قدیمی داریم تا موزه با تم‌های فکری و موزه خصوصی و موزه فیلم که می‌توانند با چنین همایشی هم‌خوانی داشته باشند.

سیداحمد محیط‌طباطبایی، مشاور رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و رئیس ایکوم ایران، هم از میهمانان و سفرای کشورهای خارجی حاضر در مراسم تشکر کرد و به یادآوری مطالبی درباره شکل‌گرفتن این سمپوزیوم در ایران پرداخت که از سال ۲۰۱۶ چنین اقدامی صورت گرفته و در سال ۲۰۱۷ با برگزاری‌اش موافقت شده و درباره انتخاب ایران گفت: یکی از دلایلش این است که ایران سرزمینی مقدس است و در آن نه‌فقط مسلمانان و شیعیان که دیگر ادیان نیز حضور دارند و ما دارای بیش از ۳۰۰ کلیسا، ۱۱ مزار و یادمان یهودیان و همچنین آتشکده زرتشتی و دیگر ادیان قدیمی هستیم.

محیط‌طباطبایی در ادامه اشاره کرد که ۶۷ موزه‌دار و پژوهشگر داخلی و ۳۷ موزه‌دار و پژوهشگر خارجی در این برنامه حضور دارند و مقالات خود را برای آن ارائه کرده‌اند و این سخنرانان از کشورهای مختلف هستند.

او همچنین هدف غایی از برگزاری چنین همایشی را رسیدن به همزیستی و همگرایی و صلح در جهان دانست و گفت: برای شناخت این فرهنگ‌ها و باورها ما دور هم گرد آمده‌ایم و نتیجه‌اش قطعا صلح و نزدیکی بین ملت‌ها خواهد بود و در این زمینه فعالان موزه‌داری بر خود وظیفه می‌دانند که در موزه‌ها تلاش بیشتری کنند.

او ایران را کشور تسامح و تساهل خواند که پس از مراسم افتتاحیه، کارگاه‌هایی در آن شروع می‌شود و سازمان فرهنگی بین‌المللی یونسکو و کمیسیون فرهنگی یونسکو در ایران در برگزاری آن همکاری کرده‌اند و از آنها تشکر و در ضمن از ایکوم بین‌المللی و دبیرخانه برگزاری سمپوزیوم نیز برای هرچه بهتر برگزارشدن این برنامه تشکر و قدردانی کرد. طباطبایی شعر را یکی از ویژگی‌های فرهنگی ایران برشمرد که به دلیل ترجمه‌ناپذیری شعر، در این مراسم مترجم زبان انگلیسی به دشواری توانست شعری را که مجری برنامه قرائت می‌کرد، برای حضار ترجمه کند.

در ادامه برنامه، کلیپ موزه فرش ایران و بعد روایت داستان گنجه در قالب یک کلیپ دیگر برای حاضران پخش شد.

سپس دکتر حجت‌الله ایوبی، دبیر کمیسیون ملی یونسکو در ایران، از میهمانان برای قبول رنج سفر برای حضور در این همایش تشکر کرد و گفت: برخی به اشتباه در تعریف موزه می‌پندارند که موزه درجازدن در گذشته است و به قولی زیارت اهل قبور است، اما تعریف موزه این‌طور نیست و برعکس حقیقتا موزه محل تلاقی دیروز و فرداست و موزه درواقع پلی بین دیروز و فردا خواهد بود و موزه محل ارائه خلاقیت‌ها و نوآوری‌هاست و ما در ایران خاک حاصلخیزی داریم که در آن با دیدن گذشته با فرهنگ و تقدس گذشته و با زندگی و ابتکاراتش آشنا می‌شویم و این خود زمینه‌ساز خلاقیت برای امروزمان است و اگر خاک ایران حاصلخیز نبود، ما همچنان در ارائه فرهنگ و هنر موفق نبودیم و نمی‌توانستیم در هنر مدرن، نقاشی و گرافیک ترقی کنیم و در سینما که ایران کشور سینماست و به گفته ژاک ژاکوب، دبیر جشنواره کن، در مصاحبه‌ای گفت که سینما در خون ایرانی‌هاست و درواقع فرهنگ و هنر در خون ماست و برای همین ما از سال‌ها قبل دارای کتاب و خوشنویسی بوده‌ایم و دارای چندهزار سال تمدن و فرهنگ هستیم.

ایوبی در ادامه، قداست موزه را در ابتدا از منظر قداست مذهبی و بعد از بُعد جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داد که بخشی از گذشته در آمیختگی با مذاهب و ادیان جهان وارد موزه‌ها شده است و از منظر جامعه‌شناسی نیز دورکیم، جامعه‌شناس، گفته؛ هر چیزی که در دسترس نیست برای ارتباط با آن ما انسان‌ها آیین برگزار می‌کنیم و امروز می‌شود گفت که موزه‌ها تقدس را می‌آفرینند، چون اشیای بی‌جان را در ویترین می‌گذارند و به آن نور می‌دهند که گویی یک آیین برای دیدن این اشیا شکل می‌گیرد و به آنها جان داده خواهد شد، چون مردم می‌آیند، بلیت تهیه می‌کنند و در یک شرایط ویژه و همانند یک آیین به تماشای این اشیا مشغول می‌شوند.

او همچنین یادآوری کرد که موزه‌ها سنگر مقاومت در مقابل موج جهانی‌شدن است و در آن با آنکه به‌لحاظ ساختاری پیشرفت هم دیده می‌شود، اما در آن مردم را با قومیت‌ها، بومی‌بودن و محلی‌ماندن آشنا می‌کنند و این‌گونه در هر شهر و کشوری بر اهمیت هویت ملی و بومی تأکید می‌شود و برای یونسکو بسیار حفظ موزه‌ها اهمیت دارد؛ چون آنها با تنوع فرهنگی، حافظ هویت محلی و بومی‌اند و میراث ملموس و غیرملموس را نگهداری می‌کنند.

ایوبی از شهر یزد به‌عنوان موزه‌ای یاد کرد و محور بیشابور را محور فرهنگی خواند و از این نمونه‌ها در ایران ما بسیار هست که به‌عنوان سرمایه نمادین و ارزش معنوی ماندگار شده‌اند. چنانچه قلم نویسنده ارزش مادی ندارد ما نیز در موزه‌ها سرمایه‌های ملی را نگهداری می‌کنیم.

مهندس محمد بهشتی، رئیس پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی، نیز مراسم موزه‌ها را با تمام تغییرات یکی، دو سده اخیر یک پدیده مدرن خواند و گفت: از روزی که واژه موزه انتخاب شد، تلاش شده که به شکلی این موضوع را به ریشه‌هایی در گذشته پیوند بزنند. این کلمه ریشه در اسطوره‌های یونان باستان دارد که در زمانی که انسان از آسمان به زمین آمد و خودش را در چشمه لته شست، دچار فراموشی شد و حالا این اسطوره آمد که به انسان یادآوری کند که کیست و از کجا آمده است و آن گذشته را برای او یادآوری کند.

او در ادامه به معماری اروپا، چین و ایران اشاره کرد که هر کدام برخلاف آنچه باید از مصالح پیرامونی برای ساخت بناها بهره‌مند شوند، اما گویی به دنبال مصالح دور از اقلیم بوده‌اند و یکی از مهم‌ترین دلایلش هم تفاوت فرهنگی است و این خود بیانگر بینش و اندیشه متفاوت آنها خواهد بود. او به باغ‌های اروپا پرداخت و یادآور شد: در آنجا برخلاف جنگل‌های فراوان، باغ‌ها تحت فرمان انسان هستند و با ایجاد فضاهایی باز و گسترده، به گیاهان شکلی هندسی و منظم داده می‌شود. در چین باغ‌ها با وجود فراوانی طبیعت، به شکل کوچک به کار گرفته می‌شوند و برای اولین‌بار در جهان کاربرد گلدان در چین نمود می‌یابد که پیش از زندیه اصلا در ایران گلدان نداشته‌ایم. در چین باغ مثل گلدان حالت پرتابل دارد اما در ایران به‌هیچ‌وجه ریشه ندارد و با توجه به نقوش اسلیمی انگار از آسمان به زمین آمده و باغ ایرانی به طبیعت نزدیک می‌شود و ما در باغ می‌خواهیم به باطن و حقیقت گیاه نزدیک شویم و گویی اسلیمی باطن گیاه است.

بهشتی در ادامه به تقدس پرداخت و گفت: به چیزی می‌گوییم امر قدسی که در همه فرهنگ‌ها هر چیزی زمینی دارد و آسمانی و آسمان هر چیزی وجه قدسی آن هست. شما وقتی در دوران جدید به بحث موزه می‌پردازید باز هم چیز غیرمقدسی وجود ندارد و هر چیزی موجودیت پیدا می‌کند که بتواند وجوه قدسی بیابد. آب‌خوردن و غذاخوردن نیز وجه قدسی دارند و برای همین ما در ایران دارای فرهنگ فتوت هستیم و همه مشاغل ما وجه آسمانی دارند و فقط یک شغل است که برایش این وجه آسمانی را نیافته‌اند و آن هم پس از ورود توپ جنگی در زمان صفویه است که آن را به شیطان رجیم ربط دادند و به همین دلیل هم ما در جنگ‌های مدرن دوره صفویه شکست خوردیم.

بهشتی با اشاره به خانه بروجردی‌ها و عامری در کاشان گفت: حظی که در محیط می‌بریم، مربوط به وجه قدسی این خانه‌هاست و بنابراین در موزه هم با یادآوری چنین حس‌وحالی آن وجه آسمانی برایمان متبلور خواهد شد.

در ادامه این همایش، یک سخنران نیز از کشور برزیل مقاله‌اش را در رابطه با قدسی‌بودن موزه‌ها در کل جهان ارائه کرد. با آنکه موزه‌ها مرتبط با یک نهاد سکولارند، اما نوع مواجهه با برخی از اشیا در این موزه‌ها طوری است که انگار یک آیین در حال برگزاری است و امری مقدس در حال انجام است و مخاطبان موزه‌ها انگار به دنبال لمس و حضور در یک فضای مقدس پا به موزه‌ها می‌گذارند.

این نشست با حضور اساتید و سخنرانان داخلی و خارجی از ۲۳ تا ۲۷ مهر در تهران برگزار می‌شود.

نگاه

نمایشگاه «آبی‌های ناصر اویسی» در گالری چهار

شهر عشّاق

پرویز براتی

● گذشته می‌تواند مانند کابوسی بر اذهان زندگان سنگینی کند. ناصر اویسی با کوشک‌ها، اسب‌های خرامان، شمایل‌های قجری‌مآب، دخترکان زیبا و رنگ‌های درخشان دمی این کابوس را از مقابل چشم بینندگان تابلوهای خود پاک می‌کند. او این روزها مجموعه‌ای با عنوان آبی‌ها در گالری چهار تهران به نمایش گذاشته که می‌توان آنها را آخرین تصاویر باشکوه نسلی دانست که ناصر اویسی یکی از نمایندگان آن است؛ نسل نخستینِ مدرنیست‌های ایرانی عمدتا با کنش هویت‌محور که به سنت‌های هنری گذشته رجوع می‌کردند و کارشان اغلب ذیل مکتب «سقاخانه» جای می‌گیرد. این نسل بر آن بود تا شناسنامه ایرانی برای کار خود داشته باشد. اویسی از این نظر جلوه خاصی از فرهنگ ایرانی را با تابلوهایش به نمایش می‌گذارد. زن، اسب، پرنده، انار و درخت؛ عناصر محدودِ تابلوهای اویسی. اویسی در نمایشگاه اخیرش در گالری چهار، همان اویسی همیشگی است. قدری از رنگ‌های خنثای قهوه‌ای و تیره قبلی فاصله گرفته و آبی‌ها و لاجوردی‌های متنوعی در زمینه تابلو نشان داده است. عناصر و نقوش او مطابق با الگوی کهن نقاشی ایرانی است؛

با این تفاوت که ترکیب‌بندی مدرن، خطوط ساده و مهم‌تر از آن کلیت اثر منطبق با هندسه نقاشی مدرن است. او در این آثار فضای سنتی نگارگری ایران را به زمان حال پیوند می‌زند؛ در عین حال برخی کارهایش آمیخته‌ای از فیگور و خط است. اویسی سال‌ها پیش پی به استفاده از خط در نقاشی برد. اما وقتی از ایران مهاجرت کرد، فهمید فیگور هم نوعی خط است و به‌کاربردن خط تنها، هیچ وقت هنر نیست. هنر اویسی ایرانی است؛ اما این ویژگی همچون مانعی بر سر راه مدرنیسم او عمل نمی‌کند. اویسی به‌خوبی دریافت که چگونه این دو قطب ظاهرا نامتجانس را با هم پیوند بزند. او از مخاطب دعوت می‌کند تا هم نزدیک بیاید و هم از نقاشی دور شود؛ درست مانند اینکه هم با تلسکوپ به اثری بنگریم و هم با میکروسکوپ. از انتزاع به مفهومی که معطوف به تمایلات نگارگری اصیل ایرانی است، می‌رسد. این‌گونه اویسی از ناکجاآباد مدرنیسم به نگارگری ایرانی می‌رسد.

سوءتفاهم‌ها و گزاره‌های سلبی- تخریبی درباره نسل اویسی البته کم نیستند؛ از جمله اینکه این نسل به اِعمال سنت‌های هویتی و اصالت‌محور در نقاشی متهم هستند. از دید منتقدان، نظام مفهومی مبتنی بر فرایند هویت‌سازی، کلیشه‌ای و لاجرم ایستاست. ناگفته پیداست که هویت‌محوری از دید آنها، نام دیگری برای «دلخوشی عبث» است. بی‌آنکه درصدد رفع استیضاح یا ایراد دفاعیه برآییم، باید بگوییم هر چند بومی‌گرایی ایرانی از ناسیونالیسم نشئت می‌گیرد، با این حال باید بین بومی‌گرایی به سبک ناصر اویسی و روحیه رمانتیک ملی‌گرایانه تفاوت قائل شد؛ گو اینکه اساسا سنخ رفتار هنری اویسی در استفاده از مضامین و مواد بومی برای خلق آثار بومی، با سنخ رفتار سایرین در مکتب سقاخانه تفاوت دارد. دستاورد باورهای بومی‌گرایانه‌ای که بازنمود آن را به شکل‌های مختلف چه قبل از انقلاب -عمدتا در دهه ۴۰- و چه بعدها در دوران پس از انقلاب و اوایل دهه شمسی ۷۰ می‌توانیم ببینیم؛ یک روش‌شناسی مجزا است و کاملا در مقابل آنچه شرق‌شناسی نامیده می‌شود، قرار می‌گیرد. این روش اساسا با تقسیم‌بندی سلسله‌مراتبی غرب درباره شرق مخالف است و جایگزین خود را ارائه می‌کند. بومی‌گرایی به سبک ناصر اویسی زمانی جالب‌تر به نظر می‌رسد که ببینیم او بیش از چهار دهه است که از ایران مهاجرت کرده و از این‌رو قاعدتا نمی‌توان در میزان شناخت او از غرب و دلایل بومی‌گرایی‌اش تردید کرد. چند سال پیش در مکالمه‌ای تلفنی می‌گفت: «من در اینجا هیچ‌وقت از حال و هوای ایران دور نیستم. در آمریکا انواع و اقسام موزه‌ها هست که آثار هنری ایران در آنها نگهداری می‌شود؛ ضمن اینکه ایران در ذهن و وجود من است. هیچ‌گاه از ایران کنده نشده‌ام. بیش از ۴۰ سال است در اروپا و آمریکا به سر می‌برم اما بیشتر از هرکس دیگری ایرانی‌ام. دوربودن فیزیکی هیچ‌گاه مرا از مملکتم دور نکرده است. زندگی در اینجا هم مرا از عشق و احساس دور نکرده. محل زندگی‌ام، ویرجینیا نزدیک واشنگتن، به شهر عشاق معروف است. در خانه‌ام درخت آلبالویی کاشته‌ام که گنجشک‌های قرمز این منطقه، روی آن می‌نشینند. روز و شب من در چنین فضایی سپری می‌شود».

سخن آخر درباره ناصر اویسی اینکه او توجهی به فقدان‌ها ندارد. کار او دفاع از ایجابیت زیبایی، تصویر و نقاشی است.